



امیران عظیمی
خبرنگار گروه فرهنگ

برنامه‌های گفت‌وگو محور یا به اصطلاحی که در فرنگ رایج است: «تاکشو» یا چه هدفی برای مخاطب تولید می‌شوند؟ هدف اصلی و اساسی این برنامه‌ها دامن زدن به حواشی، اظهارنظر در مورد مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... است تا به این واسطه بتوانند مخاطب را جذب و سرگرم کنند. سنت برپایی چنین شوهایی در غرب و به‌ویژه در ایالات متحده آمریکا از گذشته استمرار داشته و حتی با وجود تغییر نسل‌ها و ذائقه‌ها دوازش را حفظ کرده‌است، زیرا همچنان برای مردم اهمیت دارد که بدانند سلب‌ریتی‌ها در مورد مسائل مختلف چگونه فکر می‌کنند. اما در ایران ما چطور؟ ظهور و بروز تاکشوهای ایرانی در داخل –و نه در جامعه ایرانیان آمریکا– به‌مشکلی که رایج است چندان مرسوم نیست و فقط چندسال از عمر آن در رسانه‌ها می‌گذرد. این برنامه‌ها در ایدم‌ردازی، لحن و شیوه اجرا، گویی تاکشوهای آمریکایی هستند، اما سواي نمونه‌های انگشت‌شمار و به‌واسطه تفاوت‌های فرهنگی و سختگیری‌های جریان اصلی رسانه در کشور، آن‌طور که انتظار می‌رفته با اقبال عمومی مواجه نشده‌اند. در ادامه به برنامه «رگ» و گفت‌وگوی مجری آن، «مجید واشقانی» با «صادق زیباکلام» به‌عنوان یکی از استثنائات ممکن اشاره خواهم کرد، اما فقدان رابطه حسی میان مخاطبان هدف سرگرمی با تاکشو‌ها را باید در دیر یا نبودن سنت اجرای این برنامه‌ها در ایران و به‌مقاقت حداکثری از آنچه «آرو»ای افراد نامیده می‌شود خلاصه کرد. البته فرهنگ روان‌داری شرقی در بازگویی برخی مسائل که به‌صلاح خود،

سازندگان فیلم «جادوی عروسک‌ها» در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

فیلم ساختن و نوشتن قصه برای بچه‌های امروز کار راحتی نیست برخی آثار سینمای کودک ایران سطح پایین است!

فیلم «جادوی عروسک‌ها» اثری تازه در حوزه سینمای کودک و نوجوان است که به دغدغه‌های نسل جدید و علاقه‌مندی‌های آن‌ها، به‌ویژه در حوزه سرگرمی و فناوری می‌پردازد. داستان این فیلم به‌سه‌کودک مربوط می‌شود که در یک شب، آرزویی یکسان را مطرح می‌کنند و برآورده شدن آرزوی هر سه نفرشان شرایط خاصی را برای قصه‌به‌وجود می‌آورد. طبق ادعای سازندگان اثر «جادوی عروسک‌ها» آوردش تلاش دارد میان نوستالژی‌های گذشته (عروسک‌های پارچه‌ای و دست‌ساز) و جذابیت‌های مدرن (فضای دیجیتال و مدرن رسانه‌ای) پلی بزند و خانواده‌ها را نیز در مسیر روایت شریک کند. این فیلم قرار است چند روز دیگر در بخش مسابقه‌سی و هفتمین جشنواره بین‌المللی کودکان و نوجوانان به نمایش درآید، به بهانه این اکران نزدیک و حضور در جشنواره باسعید عباسی کارگردان، مریم قنبری نویسنده و محتاپیراسته باز یگر نوجوان این اثر گفت‌وگو کردیم.



در «جادوی عروسک‌ها» ما قرار است با چه دنیایی روبه‌رو شویم؟ قنبری: ابتدا در نظر داشتیم قصه فیلم ما مخاطب کودکی که فیلم‌های روز جهان را می‌بیند اقناع کند و هیجان لازم را برای او داشته باشد که فیلم را تا انتها ببیند. یعنی سعی کردیم یک قصه به‌روز داشته باشیم که در عین حال تا حدی از داستان‌های کهن ایرانی هم الهام گرفته باشد. ارزش گذاری به فرهنگ ایرانی و روابط بین نسل‌ها و مواردی از این دست در کلیت کار وجود دارد و در ساخت آن هم از جلوه‌های ویژه و کارهای اکشن برای رسیدن به یک فضای فانتزی استفاده شده‌است.

عباسی: ما شاهد این هستیم که در سال‌های اخیر کارهایی در حوزه کودک و نوجوان ساخته می‌شود که حداقل من آن‌ها را نمی‌پسندم و می‌خواستم این فضا را تغییر دهم. این سیستم که چهار بازیگر کودک و چند کم‌دین نسبتاً شناخته شده را در لوکیشن‌های بیرونی و پارک‌جایی دور بین ببرید، دیگر جواب نمی‌دهد فیلمی نیست که بچه‌های امروزی ببینند. در حال حاضر هر کودک و نوجوانی با تلفن همراه خود به جدیدترین فیلم‌های روز دنیا با آخرین تکنولوژی دسترسی دارد و برخی آثار سینمای کودک ایران برای بچه‌های امروزی سطح پایین است! امروز مثل دهه‌های ۶۰ و ۷۰ نیست که همه با یک عروسک در اثر نمایشی سرگرم شویم!

خب چه چیزی فیلم شما را از این قبیل آثار تمایز می‌دهد؟ عباسی: من سال‌هاست مسائل و ویروال و تکنیک‌های روز را دنبال می‌کنم و از همان موقع این مسئله در ذهن من بود که از آن‌ها در ساخت یک فیلم استفاده کنم. به همین دلیل در این فیلم بخش جلوه‌های ویژه را تا آثایی که توانستم پررنگ کردیم و همین به نظر می‌رآه با یک کار متفاوت تبدیل کرده‌است. من از فیلم تعریف نمی‌کنم که بگویم اثر خوبی است، این را باید مخاطبان بگویند ولی این ادعا را دارم که «جادوی عروسک‌ها» در ساختار سینمای کودک ایران اثر متفاوتی است.

قنبری: بیشتر از ۶۰ درصد فیلم متکی به تکنولوژی است. یک سوله در فیلم وجود دارد که اتفاقات زیادی در آن می‌افتد که اکثر آن‌ها سی‌جی است. چون امروز سینمای جهان متکی به جلوه‌های ویژه است ما هم تا حد توان تلاش کردیم از این تکنولوژی استفاده کنیم. هدف ما در «جادوی عروسک‌ها» این بود که تماشاگر نوجوان با جلوه‌های مدرن سرگرم و با قصه انسانی هم‌راه شود.

فیلم شما بازیگران کودک و نوجوان زیادی دارد، تجربه کار با آن‌ها چطور بود؟

عباسی: کار کردن با بچه‌ها در عین اینکه خیلی دشوار است خیلی هم لذت‌بخش است و درحقیقت همیشه سختی‌ها و شیرینی‌های خودش را دارد. ما مثل خیلی از فیلم‌های سینمای کودک، یک روز بعد از تست و انتخاب بازیگر، بچه‌ها را جلوی دوربین بردیم و چون زمان کافی برای تولید برده‌داشتیم، از تعداد زیادی از بچه‌های علاقه‌مند تست گرفتیم که این پروسه دو ماه زمان برد و بعد از انتخاب بازیگر هم از یک بازی‌گردان استفاده کردیم که دو تا سه ماه تمرین فشرده با بچه‌ها داشت. همین باعث شد زمان شروع فیلمبرداری همه آماده باشند و بدانند که باید چه کاری انجام دهند و نیازی نبود توضیح اضافه‌ای به آن‌ها بدهیم. همه بازیگران می‌دانستند قصه چیست، کاراکترشان چه نقشی دارد، فیلم‌نامه چطور به سرانجام می‌رسد و به همین دلیل بازی بچه‌ها فراتر از انتظار و کاملاً حرف‌های بود.

خانواده و جامعه نیست این اجازه را به خود می‌دهد که ساخت چنین سوژه‌هایی را لااقل در رسانه ملی به تعویق بیندازد و در موارد معدود نظیر «شب خوش» یا اجرای «مهران غفوریان» محتوای موردبذیرش خود را به‌ساختار تاکشو تحمیل کند. در این شرایط برنامه به کاری علی‌السویه بدل می‌شود که بود و نبود آن فرقی به‌حال بینندگان تلویزیونی ندارد! به بیان دیگر، موفقیت برنامه‌های گفت‌وگو محور در گرو فهم جدید از ساختار های نو و ره‌اشدن از محدودیت‌های محتوایی است که با توجه به فراهم نشدن مقدمات این امر در سازمان، باید آدرس تماشای یک تاکشو آبر و مند را در ق‌های جایگزین نظیر پلتفرم‌ها و بسترهای پخش آنلاین مانند یوتیوب و آپارات جست‌وجو کرد. از همین رو است که تولید و پخش «باغشیا»، «اکون» و «رگ» از دید مخاطبان تیزبین دور نمی‌ماند و آن‌ها را درگیر خود می‌کند، چون فارغ از نقد ساختاری، این تاکشو‌ها می‌توانند در همراهی بیشتر با روح زمانه به بخشی از تمنای جامعه ایرانی برای سرگرم شدن پاسخ دهند و آن‌ها را برای لحظه‌ای هم که شده سر ذوق بیاورند.

مجید واشقانی در جدیدترین قسمت برنامه یوتیوبی رگ به‌سرآغ صادق زیباکلام، به‌عنوان یکی از جنجالی‌ترین و رسانه‌ای‌ترین استاد حوزه علوم سیاسی رفت تا نظرات او در مورد مسائل مختلف از قبیل قدرت موشکی ایران، پرونده هسته‌ای کشور و مواجهه او با امپریالیسم و قدرت تمامیت‌خواه غرب را به چالش بکشد که با توجه به بازخورد های موجود در فضای مجازی می‌توانیم به موفقیت واشقانی در انجام این امر رأی دهیم. اما چه می‌شود که مخاطب عادی –و نه افسون‌شده توسط مدیای غربی– در دوگانه واشقانی– زیباکلام اولی را بر می‌گزیند و موقع و اهمیتی برای کارشناس حوزه سیاسی

درباره پاسخ‌های سست زیباکلام به یک بازیگر در مورد امنیت ملی

بیچاره آکادمی

داخلی و خارجی قاتل نمی‌شود؟ اشتباه اساسی استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با بازیگر تلویزیون آنجا بود که تلاش کرد برای توجیه نظراتش در زمین واشقانی بازی کند، ولی حریف بیدی نبود که با این پادها لرزه به اندامش ببفتد و صحنه را برای یک‌هتازی زیباکلام ترک بگوید. دال مرکزی زیباکلام در گفت‌وگو‌هایش با خبرنگاری‌ها، رسانه‌های چپ، راست، داخلی و خارجی کلیدواژه چیزی جز «دموکراسی» و بیان طوطی وار آن در همه این سال‌ها نبوده‌است و اگر بخواهیم یکجای او را در یک کلمه خلاصه کنیم چیزی جز این واژه به‌ظاهر زیبا، اما در باطن فریبده و انتزاعی دستمان را نمی‌گیرد. در عوض اما، واشقانی در حصار ناآشنایی برای سوژه مصاحبه خود، فهم واقع‌گرایانه‌ای نسبت به اتفاقات در حال وقوع داشت و توانست حسایی با طرح سوالات چالش برانگیز زیباکلام را در گوشه رینگ گیر بیندازد و واقعیت صحنه نزاع با آمریکا و اسرائیل را برای فهم مخاطبانش دوباره از نور تسیم کند تا آن‌ها در فضایی متفاوت با بلایی که رسانه‌های خارجی فارسی‌زبان بر سر ادراکشان می‌آورند، می‌زنسن را همانگونه که هست تماشا کنند، نه آن‌طور که بی‌بی‌سی، اینترنشنال، یورنیوز و... می‌خواهند. باری، هم مجید واشقانی و هم صادق زیباکلام هر دو از بازیگران اصلی فرهنگ شهرت به حساب می‌آیند و کار با ذهنیت مردم را به‌خوبی بلدند و با این امر غریبه نیستند، ولی تفاوت مجری– بازیگر برنامه‌کار با نویسنده کتاب «غرب چگونه غرب شد؟» آنجاست که واشقانی از قدرت موشکی ایران در جنگ تحمیلی دوازه‌ده روزه‌گذاری می‌کند و زیباکلام با فهمی که‌نه نسبت به مسئله، همان حرف‌های قدیمی در باب جامعه‌باز و دموکراسی را دستمایه بیان نظراتش قرار می‌دهد! پُر واضح است که در این صحنه‌پردازی بیننده



طرف کسی که به جوانب و زوایای بحث آشنایی بیشتری دارد را می‌گیرد و عرصه را برای حضور دیگری در رسانه تنگ می‌کند. در اینجا واشقانی با درکی عینی، واقعی و انضمامی برنده نبرد با یک چهره دانشگاهی غرب‌گراست، چون ابتدا حافظه تصویری تماشاگر را احضار می‌کند و سپس با هر حرف و کلامی به واقعیت نبرد در جنگ دوازه‌روزه ار جاع می‌دهد. حرف‌ها و ارجاعات زیباکلام اما با گذشت چهارماه از آن روزها هیچ تفاوتی با محتوای گفته‌های او در خلال سخنرانی‌ها و مناظراتش در همه این سال‌ها ندارد و همین هم باعث می‌شود تا در برابر یک هنرپیشه –که ادعایی هم در باب مسائل علوم انسانی ندارد– حرفی نو برای گفتن نداشته باشد و بیننده هم به‌راحتی دستش را بخواند. رتوریک مجید واشقانی با اتکا به جهان نمایشی در جنگ نرم به کار ما می‌آید و باقی میکرو رسانه‌ها نیز باید همین خط را در نبرد فهم درست نسبت به مفهوم جنگ نرم و اهمیت آن با قید فوریت دنبال کنند، اما نباید از یک مسئله اساسی نیز در این میان غافل شد. تکیه بیش از اندازه روی کارکرد نمایش گفت‌وگو و همچنین دامن زدن به فرهنگ شهرت ممکن است وقوع امر سیاسی و سیاست در جامعه ایران را به تعویق بیندازد و جنبه‌ای کالایی پیدا کند که با توجه به مصرف حداکثری دیده‌ها در برنامه‌های پیشین که با هدف جذب حداکثری مخاطب صورت می‌گرفت هیچ بعید نیست. سواي این موارد گفت‌وگوی مجید واشقانی با زیباکلام نشان می‌دهد که دست آکادمیسین‌های دوستدار غرب تا چه اندازه خالی است و آن‌ها هیچ درک درست و حتی قابل نقلی در مورد ظهور قدرت ایران با توجه به دال مرکزی امنیت ملی ندارند و صرفاً با متلک‌پرانی می‌خواهند کارشان را جلو ببرند و ذهن جامعه ایران را اتمیزه کنند.

باشیم که برای بچه‌های امروز هم جذاب باشد و نوعی این دو بخش را رعایت کنیم. ضمن اینکه این علاقه شخصی من است که به زمان گذشته و حال خیلی علاقه‌مند هستم و دوست دارم در یک اثر این دو زمان کنار هم دیده شوند. درواقع در قصه ما هم دهه ۵۰ دارم هم زمان حال را. این تلفیق به نظرم ساختاری دارد که بچه‌های امروز آن را می‌پسندند.

و حالا فیلم شما قرار است تا چند روز دیگر در جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان اکران شود. از انگیزه‌هایتان برای حضور در این رویداد بگویید.

عباسی: من برای حضور در جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان، هم خیلی خوشحال و هم بی‌نهایت امیدوار هستم، چون این جشنواره بستر اختصاصی برای دیده شدن این گونه فیلم‌هاست. اینجا مخاطب می‌آید که فیلم کودک ببیند و می‌داند که داور و خبرنگار نوجوان پرورش می‌دهند و برنامه‌ریزی شده فیلم من نوعی، توسط این قشر دیده و نقد شود. این اتفاق خوبی است.

قنبری: جشنواره فرصتی است که فیلم‌ها در جایگاه واقعی خودشان دیده شوند، مخاطب تخصصی بیاید و بچه‌ها هم لذت ببرند. امیدوارم این رویداد استمرار داشته باشد، چون برای سینمای کودک حیاتی است. چون فیلم در جشنواره مخاطب خاص دارد و مخاطبش حتی ممکن است بین‌المللی باشد و در کل دیده شدن در جشنواره برای یک فیلم کودک و نوجوان اتفاق خیلی خوبی است.

پیراسته: برای تولید این پروژه اقتدر حمت کشیده‌شده که به نظرم بچه‌ها از آن استقبال می‌کنند و به‌نظم بازی تیم بازیگران در این فیلم مورد توجه قرار می‌گیرد، البته نمی‌دانم جایزه می‌گیرم یا نه ولی امیدوارم اتفاقات خوبی برای این فیلم بیافتد. جایزه گرفتن برای خودم در اولویت‌های بعدی است.

شما در کل جایگاه سینمای کودک را در ایران چطور می‌بینید؟ عباسی: متأسفانه در کشور ما حمایت کافی از سینمای کودک نمی‌شود و اغلب این پروژه‌ها با هزینه شخصی ساخته می‌شوند. در پلتفرم‌ها هم شرایط سینمای کودک اسفناک است و ارقامی پیشنهاد می‌دهند که پول غذا و چایی سر صحنه هم نمی‌شود، ولسی همان پلتفرم برای تولید و پخش پروژه‌های چپ و احمقانه کم‌دلی هزینه‌های میلیاردی می‌کردند و می‌گفتند کار کودک بدین‌من‌شود و ما ضرر می‌کنیم. این واقعاً حیف و ناامیدکننده است. ما هر تلاشی می‌کنیم از کودکی شروع می‌شود و اگر کودک را عادت دهیم به فیلم دیدن، هم سسراد فیلم خوب دیدن یاد می‌گیرد هم به این حوزه علاقه‌مند می‌شود. اگر از سینمای کودک استقبال و پشتیبانی نشود، کم‌کم دیگر کاری در این حوزه تولید نمی‌شود. فیلم «جادوی عروسک‌ها» با پشتوانه شخصی ساخته‌شده و اگر بازگشت مالی نداشته باشد سر مایه‌گذار نمی‌تواند روی فیلم بعدی برنامه‌ریزی کند. من به این نسل علاقه دارم و دوست دارم باز هم برایشان فیلم بسازم ولی من مثلاً با کارهای «عمو پورنگ» متفاوت است و این مدلی فیلم نمی‌سازم، چون آن‌ها مخاطبان خردسال خاص خود را دارند و فضایشان با فضایی من متفاوت است.

حرف شما در ست است ولی قبول کنید مخاطبان و خانواده‌ها نیز نقش دارند. مثلاً خانم پیراسته، به عنوان یک نوجوان خودت تا به حال چه تعداد فیلم کودک یا نوجوان در سینما دیدی؟

پیراسته: من تا به حال هیچ فیلم کودک یا نوجوانی در سینما ندیدم و اولین فیلمی هم که در سینما دیدم، «تگزاس یک» بود.

چرا فیلمی که برای شما ساخته شده را ندیدید ولی یک فیلم کم‌دلی بزرگسال را چند بار تماشا کردی؟
پیراسته: شاید چون فیلم‌هایی که مثلاً رده سنی برای آن‌ها مشخص می‌کنند مثلاً ۱۰ تا ۱۵ سال، وقتی می‌بینم متوجه می‌شویم مخاطب آن پایین‌تر از این سن است. به نظر خیلی از فیلم‌هایی که در ظاهر برای نوجوانان ساخته شده در حقیقت مخاطبش بچه‌های زیر هشت سال بودند!

رده سنی فیلم خودتان چند سال است؟

عباسی: فیلم «جادوی عروسک‌ها» برای گروه سنی ۸ تا ۱۶ سال ساخته‌شده، اما بزرگ‌ترها هم می‌توانند با آن ارتباط بگیرند. نکته مهم برای ما این بود که فیلم خانوادگی باشد؛ یعنی پدر و مادر هم کنار بچه‌هایشان بنشینند و لذت ببرند، نه اینکه وسط فیلم خسته شوند.



ترس بود که کار را سخت می‌کرد. آقای عباسی هم خیلی در آنجا ذہت شدند، فکر کنید ۵۰۴۰۰چ‌ه آنجا حضور داشت و باید همه را مدیریت می‌کردند، اما خوشبختانه با راهنمایی‌های تیم تولید توانستیم از پس این سکانس بر بیاییم.

فیلم ساختن و قصه نوشتن برای کودکان و نوجوانان نسل جدید چه ویژگی‌ها و چالش‌هایی دارد؟

قنبری: برای نوشتن قصه برای این نسل باید خیلی باهوش عمل کرد و مخاطب را یک پله جلوتر دید. چون به نظر من ما به دلیل اینکه ابوهی از قصه‌های روز دنیا را دیده‌اند، هر درام و هر صحنه‌ای را می‌توانند زودتر و به راحتی حس بزنند. البته این بچه‌ها با گذشته بیگانه نیستند و نباید فکر کرد ارتباط آن‌ها با نسل قبل از این رین است. نسل امروز بچه‌هایی هستند که به انیمیشن‌های پیشرفته‌وزی‌های کامپیوتری عجیب‌و غریب دسترسی دارند، اما در عین حال همچنان با الحظه‌های ساده و انسانی تحت‌تأثیر قرار می‌گیرند. بغض یا گریه می‌کنند. ما در این فیلم تلاش کردیم این دو دنیا را به هم وصل کنیم. در قصه، هم عروسک‌های پارچه‌ای و دست‌ساز مادر بزرگ را داریم و هم عروسک‌های دیجیتالی که رنده می‌شوند و در فضای فانتزی و مدرن آن‌ها را می‌بینیم. این ترکیب برای من مهم بود تا نشان دهیم بچه‌های امروز هم می‌توانند با نوستالژی‌ها ارتباط برقرار کنند.

عباسی: فیلم ساختن و نوشتن قصه برای بچه‌های امروز کار راحتی نیست، در بخش ساختاری و تکنیکی باید حتماً خیلی خیلی پیشرفته و با تکنولوژی روز جلو برویم چون آن‌ها خیلی باهوش هستند، منابع متنوعی دارند و به سرعت می‌توانند مقایسه کنند. اما از نظر درام به نظر فرقی نمی‌کنند، نکته مهم این است که فطرت تمام انسان‌ها مشترک است. بچه امروزی هم عاشق می‌شود، می‌جوان دارد و به دنبال داستان‌هایی است که احساسات واقعی‌اش را برانگیزد. ما دیدیم این نسل با دیدن آثار نمایشی خاص تحت‌تأثیر قرار می‌گیرند و هر دو وجه در آثار مربوط به این نسل نیاز است. ما سعی کردیم ضمن استفاده از تکنیک‌های روز، ساختاری داشته



کمی از نقش‌ت بگو و اینکه سخت ترین بخش سازی برایات کدام بخش فیلم بود؟

پیراسته: من در این فیلم نقش ارغوان را بازی می‌کنم و سخت تر ین بخش برای من صحنه‌ای بود که در سوله، فیلمبرداری شد. در آن سکانس همه چیز خیالی بود و باید به صورت خیالی دکمه‌ها را می‌زدیم و به بچه‌ها توضیح می‌دادیم که چه اتفاقی می‌افتد. مثلاً در بسته ی باز می‌شود، رمز را وارد کنیم و کارهایی از این دست، همچنین آنجا پر از اهِام و